

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 92/12/27

اعتراف عمر به جهلش نسبت به برخی از مسائل و اعتراف به اینکه همه مردم از عمر فقیه تر هستند

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بسم الله الرحمن الرحيم.

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد سلام عرض می کنم بینندگان عزیز هر کجای عالم هستید امیدوارم که در صحت و عافیت باشید ممنون هستیم که برنامه ی حبل المتین را در میان این همه برنامه ها و شبکه ها انتخاب می کنید و این هم نشان از توجه شما به مسائل مذهبی و علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام است. خدا را سپاس می گوئیم به خاطر این که توفیق داد در این قرن بتوانیم فصل جدیدی را ایجاد کنیم. و برگ از حقانیت و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را ان شاء الله هویدا کنیم. و ان شاء الله تقدیم شما بشود این برنامه هایی که ذکر اهل بیت علیهم السلام است و روشن گری می کند و بیان می کند مشکلاتی که در صدر اسلام بوجود آمده است. و در پایان حقانیت و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را.

امیدواریم که عزیزانی که بیننده ی برنامه ی ما هستند استفاده ببرند از این برنامه و ان شاء الله مرضی رضای خدا باشد این نوع برنامه ی ما.

سپاس گذاری می کنم مجددا و در خواست می کنم که تا پایان برنامه همراه ما باشید. برنامه ی حبل المتین در هفته یک شب تقدیم شما عزیزان می شود. و در سلسله مباحثی که به صورت سلسله وار تقدیم شما عزیزان می شود موضوع خاصی پیگیری می شود و این موضوع هم که بحث امامت از نگاه عقلی است تقدیم شما عزیزان می شود. و امیدواریم که عزیزانی که پیگیری می کنند این مطالب را مورد استفاده ی شان قرار

بگیرد ما در این مطالبی که خدمت شما عرض می شود توسط کار شناس عزیز برنامه خواهش می کنیم عزیزان مخصوصا برادران عزیز اهل سنت ما توجه خاصی بکنند بدون تعصبات این مباحث را پیگیری کنند ما قصد جسارت بی ادبی و توهین نداریم و خدا می داند که فقط می خواهیم این مباحث خیلی نزدیک تر بشود و حقایق و عزیزان ما خودشان بروند قضاوت کنند و عمده مطالبی هم که تقدیم شما عزیزان می شود از کتب برادران اهل سنت است در هر صورت شما خودتان باید بیشتر آن را توجه بفرمایید.

گر چه خطوط وهابیت را کاملا جدا می دانیم از آقایان اهل سنت و خواهش می کنیم عزیزان اهل سنت هم به این قضیه توجه کنند و از شیعیان عزیز هم خواهش می کنیم که باز تعصبات را کنار بگذارند و منطقی این مباحث را نگاه کنند و کاملا دوستانه و برادرانه به این مباحث پردازند. و امیدوار هستیم که عزیزان ما توجه خاصی کنند و الحمد لله این گونه است. و از خداوند هم می خواهیم که توفیقات ما را در این برنامه و در این شبکه روز افزون کند بفرمایید.

ان شاء الله. تا پایان برنامه همراهی می فرمایید. و ما در خدمت کار شناس عزیز حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. سلام و عرض ادب داریم خدمت استاد عزیزم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. بنده هم خدمت همه ی بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که ما را میهمان کانون گرم و با صفای خانواده ی خویش قرار داده اند خالصانه ترین سلام را تقدیم می کنم موفقیت بیش از بیش برای شما گرامیان از خدای منان خواهانم خدا را به آبروی محمد و آل محمد سوگند می دهم حوائج همه ی شما و ما را بر آورده کند گرفتاری های ما را. بر طرف کند. دعا هایمان را به اجابت برساند و همه ی ما را به آن راهی که رضای خودش و رضای ولی اش در آن است. رهنمون کند ان شاء الله.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم از شما و سپاس گذار هستیم از این فرصتی که در اختیار ما قرار داده اید حضرت استاد. و اگر خاطر شریف شما بینندگان فهیم ما باشد ما در سلسله مباحثی که تقدیم شما می کردیم در این برنامه ها بحث عدله عقلی امامت بود که خیلی هم طول کشیده است. و به هر صورت مباحث علمی است. و می طلبد که این مباحث ادامه دار باشد و ما سه شاخص را حضرت استاد بیان کردند برای بحث عدله ی عقلی امامت و امامت از دیدگاه اهل سنت. که علم و شجاعت و عدالت بود که من خواهش می کنم از حضرت استاد اگر لطف بفرمایند یک مختصری از مباحث گذشته را عنایت بفرمایند و با بینندگان عزیزما ارتباطی برقرار بشود. و ان شاء الله من سوالات را از حضرت عالی می پرسم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله و لعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله. افذ امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولا و نعم المسیر یا ابا صالح المهدی ادرکنی. و یا وجیها عند الله اشفع لنا عند الله.

همان طوری که برادر عزیز و بزرگوارم جناب آقای محسنی اشاره کردند. بحث ما در این جا باز گو کردن واقعیات تاریخی است. و بیان کردن مطالبی است که در کتب اهل سنت آمده است و بعضا هم از کتب شیعه هم اشاره ای می کنیم. و قصد جسارت هم نیست. و هر گونه جسارت و اهانت به مقدسات اهل سنت را ما گناه نابخشودنی و گناهی بزرگ می دانیم و خود را ملتزم می دانیم که به این عمل کنیم.

و از طرفی هم خودمان را هم معصوم نمی دانیم بارها هم گفته ایم اشتباه می کنیم و کردیم و خواهیم کرد. ولی این شهادت را داریم اگر یک موردی ثابت بشود که ما اشتباه کرده ایم. به کمال صراحت اعتراف می

کنیم به آن و پوزش می طلبیم و تلاش می کنیم که جبران کنیم. البته من قبل از این که این سوال جناب آقای محسنی را پاسخ می دهم.

جناب آقای محسنی وقتی که مسافرت می رویم مخصوصاً خارج از کشور وقتی که بر می گردیم ما را استنطاق می کشند که آقا گزارشی از سفرتان به ما بدهید. این دفعه ایشان دو سه هفته مسافرت علمی و تبلیغی داشتند به خارج از کشور و هیچ گونه گزارشی ندادند و سوغاتی هم برای ما که نیاورده اند حالا نمی دانم برای بینندگان عزیز چیزی را به عنوان سوغاتی دارند یا ندارند من نمی دانم.

ولی ما الآن از ایشان تشکر می کنیم. و موفقیت ایشان و همه ی همکاران و شما گرامیان را از خداوند متعال می خواهیم بحث ما بعد از این که عدله ی امامت امیر المومنین از قرآن و سنت مطرح کردیم و رسیدیم به عدله ی عقلی و در عدله ی عقلی اقوالی را نقل کردیم که بزرگان اهل سنت می گویند در امام سه تا شرط و ویژگی باید باشد. اعلمیت اهل زمان که بتواند پاسخگوی تمام مسائل علمی و معضلات فقهی باشد و از هر گونه شبهاتی که وارد حوزه ی علمی می شود پاسخ گو باشد. شجاع ترین انسان ها باشد در برابر هجوم به کیان اسلام و کشور اسلامی بتواند دفاع کند. و عادل ترین انسان ها باشد که بتواند از ظلم و جور ستم جلو گیری کند و عدل و مساوات را میان مردم برقرار کند و ما روایات متعددی از نبی گرامی در رابطه با اعلمیت امیرالمومنین آورده ایم. و مطالبی از قول صحابه که علی بن ابی طالب.

أعلم الناس بالسنة.

آورده ایم از قول تابعین آورده ایم فقهای بزرگ اهل سنت آورده ایم و جایگاه علمی خلیفه ی اول را با سند های معتبر و صحیح نسبت به تفسیر قرآن نسبت به قضیه ی ارث جعده و امثال این آورده ایم. و هم چنین از جناب خلیفه ی دوم با احترام به این بزرگان اهل سنت بدون کوچک ترین جسارت آورده ایم و قضاوت را هم به عهده ی بینندگان عزیز و گرامی گذاشته ایم. و قضاوت را هم به عهده ی بینندگان عزیز و گرامی گذاشته ایم. و هیچ گونه داوری هم نکردیم.

که البته این را هم ما بار ها گفته ایم که یکی از اهداف بزرگ ما این است که بچه شیعه های ما که پای تلویزیون نشسته اند از مبانی اعتقادی شیعه آگاه باشند اگر یک دفعه بحثی صورت می گیرد با عزیزان اهل سنت یا با وهابی ها بدانند که آن ها چه عدله ای دارند و پاسخ آن ها هم چیست. و در کنارش هم حجت برای همگان تمام بشود و از جناب خلیفه ی دوم مطلب را آورده ایم که حاکم نیشابوری در مستدرک شان ج ۲ ص ۳۳۲ می گوید که روایت صحیح است که جناب خلیفه ی دوم می گوید من سه تا مطلب فراموش کرده ام که از پیغمبر سوال کنم و ای کاش که سوال کرده بودم. و اگر سوال کرده بودم از شتران سرخ مو برای من با ارزش تر بود.

یکی این که ای کاش سوال کرده بودند که یا رسول الله خلیفه ی بعد از شما چه کسی است. این خیلی پیام دارد و خیلی مطلب در آن خوابیده است. و از این که آیا کسی اعتراف به زکات کند ولی ندهد آیا کشتن اش واجب است یا واجب نیست. قضیه ی اصحاب رده ای که هزاران انسان کشته شد. و یکی این که ارث کلاله چگونه است؟

این عبارتی است که جناب حاکم نیشابوری و ابن کثیر و دیگران این را آورده اند و با سند های صحیح هم آورده اند. و بعد آمده ایم بحث تیمم را مطرح کرده ایم که کسی از جناب خلیفه ی دوم می پرسد من جنوب شده ام تکلیفه من چه است؟

ایشان به صراحت گفت:

[لا تصله.](#)

تو حق نداری نماز بخوانی و نمازت را ترک کن.

راحت بگیر بخواب تا هر وقتی که غسل کردی نماز بخوان و عمار اعتراض کرد به این قضیه.

و در حدیث مسلم ح ۱۰۶ در ج ۱ ص ۱۹۳ مفصل جناب مسلم آورده است. و روایت مسلم هم که دیگر

روایتی است که قابل خدشه کردن نیست. با این که قضیه ی تیمم در خود قرآن آمده است حالا ان شاء الله ما

جواب آقای ابن تیمیه را که می آید از جناب خلیفه ی دوم دفاع می کند و مقایسه می کنید با بعضی از مسائل دیگر در آن جا ان شاء الله جواب ابن تیمیه را هم خواهیم داد.

که می گوید این اجتهاد بود جناب خلیفه ی دوم کرده بود چه اشکالی دارد یک مجتهد فاضل از نظرات مجتهد غیر فاضل هم استفاده کند و می گوید شکی نیست. که جناب خلیفه ی دوم اعلم امت، افقه امت، افضل امت بوده است. این قضیه ی تیمم در قرآن سوره ی نساء آیه ی ۴۳ به صراحت آورده است آقای ابن تیمیه.

که قرآن می گوید:

أُولَئِكَ سَمِعُوا اللَّهَ يُدْعُوا إِلَى اللَّهِ وَمَا لَهُمْ لَمْ يُدْعُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ عَسَىٰ تَلْوَىٰ عَنِ السُّنَنِ

چند مورد دارد یکی از مواردی که می گوید با همسران تان هم بستر شدید.

فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا

اگر جنوب شدید و آبی پیدا نکردید تیمم کنید.

این بحث اش به قضیه ی هدهد حضرت سلیمان و غیره اصلا چه ارتباطی دارد. یا قضیه ی حضرت

موسی آخر این ها چه ارتباطی دارد آقای ابن تیمیه؟

نمی دانم عقل خودت را از دست داده ای یا به عقل مخاطبین خودت ارزش قائل نیستی تصور می کنید

که هر چه که به ذهنت آمد به صورت وحی منزل است و مخالفین ات را که همه را با یک چوب داری مشرک قلمداد می کنی.

حالا ان شاء الله ما شاید در جلسات بعدی مطرح کنیم این آقایان کار شناس های وهابی که نه فرصت

دارند و نه سوادش را دارند که بیایند ببینند که علمای اهل سنت در دفاع از عدم آگاهی خلفا نسبت به احکام چه

دفاعی کرده اند. این دلیل بر این که واقعا شبکه ی ولایت با کمال انصاف مطالب را نقل می کند و دفاع بزرگان

اهل سنت را هم نقل می کند. که آقا این روایات.

و این هم نظریه ی بزرگان اهل سنت فقهای بزرگ مثل ابن قیم جوزیه و مثل آلوسی و مثل قرطبی و غیره که آمده اند دفاع چگونه کرده اند.

در حقیقت سطح معلومات آقایان اهل سنت هم می آید بالا.

بار ها بوده که حتی از دانشجویان اهل سنت یا بعضی از طلبه ها که در نمایشگاه من را دیده اند گفتند فلانی بعضی از مطالبی که شما مطرح می کنید ما با این که چند سالی است که در حوزه هستیم این مطالب به گوش مان نرسیده است. و ما تشکر می کنیم که خدای عالم یک همچنین توفیقی را به ما داده است.

هذا کله من فضل ربی.

و همچنین قضیه ی استیضان بود که جناب خلیفه ی دوم گفت من چون مشغول کار های تجارت و بازار بودم و این مخفی مانده است. از پیغمبر نشنیده بودم ابو موسی اشعری تهدید کرد که اگر دلیل نیاورد و یا شاهد نیاورید که یک هم چنین روایتی از پیغمبر است. تو را چنین و چنان می کنیم. و قضیه ی این که از عمر نقل می کنند که اگر کسی بر مرده اش گریه کند باعث عذاب او می شود. که خود عایشه امر المومنین می آید اعتراض می کند و می گوید که این قضیه بر خلیفه ی دوم مخفی مانده است.

و قضیه رجم زن مجنون ای بود که امیر المومنین گفت که چرا این را رجم می کنید سنگ سار می کنید خدای عالم قلم را از مجنون برداشته است. تکلیف ندارد و یکی از مواردی که جناب خلیفه ی دوم گفت:

لو لا علیا لهلك عمر.

این قضیه در صحیح بخاری مفصل آمده است. در ص ۲۴۹۹ در این نشر دار ابن کثیر یمانی بیروت و ابو داود سجستانی مفصل قضیه را نقل کرده است. گر چه بخاری یک اشاره ای کرده است و رد شده است. و این را ما ۴۳۹۹ در این سنن ابی داود با چاپ جدیدی که آورده است ج ۴ ص ۱۴۰ و هم چنین که جناب خلیفه ی دوم که یک خانمی که شش ماه بچه به دنیا آورده بود گفت این حتما رفته است و زنا کرده است. داشت او را سنگ سار می کرد امیر المومنین سلام الله علیه آمد و آیه ی شریفه ی.

و حمله و فصاله ثلاثون شهرا.

را خواند.

و الوالدات یرضع أولاد هن حولین کاملین.

گفت این نشان می دهد بر این که حداقل شش ماه بیشتر نیست.

این قضایایی بود که ما مفصل در جلسات گذشته که حضرت عالی تشریف نداشتید و خلاصه ما این ها را مطرح کردیم و خلاصه ای از بحث گذشته ی ما بود و من تقاضا می کنم. از بزرگواران اهل سنت از فضلا و از علما و از اساتید دانشگاه و طلاب بزرگوار اگر نقطه نظری دارند ما نمی گوییم این که ما نگاه نمی کنیم. وحی منزل است صحیح صد در صد است.

بیایند مناقشه کنند صحبت کنند و ما هم حرف مان را می زنیم و الزامی هم نداریم این که ما می گوییم عزیزان اهل سنت قبول کنند نه این به ذهن ما می رسد و این مطالبی است که از کتاب های شما ما مطالعه می کنیم. به دست می آوریم و دسته بندی می کنیم. و در اختیار شما قرار می دهیم. حالا شما قبول بکنید یا نکنید این دیگر اختیار با خود شما بزرگواران است.

ولی ما دوست داریم اگر عزیزان اهل فاضل بیایند روی خط و مناقشه کنند عرایضی که ما داریم اشکال کنند و ما هم جواب بدهیم و داوری را هم به عهده ی مخاطبین گرامی وا گذار می کنیم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سپاس گذاری می کنم حضرت استاد ممنون هستیم از شما.

حاج آقا اگر اجازه بفرمایید من سوال را این طوری شروع کنم با مقدمه ای که حضرت عالی فرمودید و من خواهش می کنم از برادران عزیز اهل سنت مان خدای نکرده این ها را با این که حضرت استاد هم بار ها این را اشاره کرده بودند. جسارت نبینند چون ما وقتی داریم بحث عدله ی عقلی امامت را می کنیم و بحث علم

را مطرح می کنیم از آن طرف عرض کردیم که جایگاه علمی حضرت امیر میان صحابه این گونه بود و حضرت علی.

افقه الناس.

بود و اعتقاد ما این است که وقتی می گوئیم جانشین پیغمبر باید یک کسی باشد که از صحابه باشد حضرت علی را برای این کار انتخاب می کنیم و یا اگر حدیثی روایتی و یا آیه ای باشد این را داریم انتخاب می کنیم. از آن طرف می خواهیم عدله ی برادران اهل سنت را هم مطرح کنیم که اگر می گوئیم خلیفه ی اول و خلیفه ی دوم این گونه هستند این خدای نکرده جسارت نباشد که حالا من سوال از حضرت استاد می پرسم. خدای نکرده می خواهیم جسارت می کنیم ما احترام می گذاریم به مقدسات برادران اهل سنت ولی از جهت علمی این نوع از سوالات را از حضرت استاد می پرسیم و خواهش می کنیم که حضرت استاد هم ان شاء الله لطف کنند جواب به ما بدهند که از این مواردی که حالا بعضی ها را هم حاج آقا اشاره کردند. و در جلسات قبل تقدیم شما عزیزان شد.

حاج آقا یکی از مواردی که بنده می خواهم از حضرت عالی سوال کنم همین عدم آگاهی خلیفه ی دوم جناب آقای عمر است. که موضوع مقدار مهریه بود که یک زنی اعتراض کرد و یک عبارتی را هم گفت که در کتب برادران اهل سنت هم است.

کل الناس افقه من عمر حتی النساء.

آیا این قضیه اصلا درست است یا درست نیست. و یا این روایت اصلا صحیح است. اصلا در کتب شان آمده است این چگونه است ؟

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

بله. یکی از مواردی که آمده است و عزیزان اهل سنت خیلی مفصل نقل کرده اند شاید من همین تعبیر را زده ام در نرم افزار الجامع الکبیر دیدم که بالای ۵۰ کتاب از کتاب های معتبر اهل سنت این عبارت را آقایان

آورده اند مفسرین آورده اند مورخین آورده اند. اصحاب صحاح سنن مسانید همه آورده اند در این جا اگر دوستان مانیتور من را محبت کنند من از خود ابن کثیر دمشقی که یک آدم سنی و هم سلفی است. و هم متعصب است.

ایشان این روایت را نقل می کند با سند خودش از شعبی از مسروق می گوید:

رکب عمر بن الخطاب منبر رسول الله صلی الله علیه و سلم.

خلیفه ی دوم بر بالای منبر پیغمبر رفت گفت:

یا آیه الناس ما اکثرکم فی صداق النساء.

چرا این همه مهریه ی زنان را زیاد می کنید.

حالا من این را اشاره خواهم کرد. که این که آیا مهریه ی زن چه باشد و چه نباشد. و الآن معضلات جهان

امروز مخصوصا در ایران ما یک سری مشکلات ما از این کانال است.

البته این را ما جداگانه بحث می کنیم. یک بحث فقهی ما داریم و یک بحث عرفی ما داریم و یک بحث

جواز ما داریم و یک بحث حرمت داریم. بعد جناب خلیفه گفت:

ما اکثرکم فی صداق النساء.

چرا این همه مهریه ی زن را بیشتر می کنید.

پیغمبر و صحابه چهار صد درهم بیشتر مهریه ی زنان شان نمی کردند. اگر چنان چه بیشتر از چهار صد

درهم درست بود و واقعا این تقوای عند الله بود و کرامت بود قطعا پیغمبر اکرم انجام می داد. صحابه انجام می

دادند.

ببینید عزیزان دقت کنید خود جناب خلیفه ی دوم بر این باور است که چون پیغمبر بیشتر از چهار صد

درهم نکرده است حرام شد. یک دفعه این است که پیغمبر بیاید بگوید که فلان چیز حرام است. فلان چیز

واجب است. فلان چیز مستحب است. فلان چیز مکروه و یا مباه است. این احکام خمسه است.

در صورتی که پیغمبر اکرم به یک عملی شخصا عمل کردند. این فقط دلیل بر اباحه است نه دلیلی بر استحباب و نه دلیل بر وجوب است. إلا این که قرینه ای باشد در کنار سیره ی نبی مکرم دلالت کند بر وجوب یا استحباب.

عقیده ی ما هم نسبت به ائمه علیهم السلام هم این است عمل ائمه فقط دلالت بر اباحه می کند که این کار مباه است. که آیا واجب هم است یا نه دلیل می خواهد یا بالاتر از این که کمتر از این حرام است یا نه این دلیل می خواهد. بعد ایشان می آید می گوید بله. اگر چنان چه واقعا بیش از چهار صد درهم درست بود و واقعا ارزش و کرامت بود آن ها حتما انجام می دادند.

فأعترضته امرأة من قريش.

از زنان قریش اعتراض کرد.

يا أمير المؤمنين نهيت الناس أن يزيدوا في مهرالنساء على أربع مئة درهم.

تو نهی کرده ای و گفته ای که حرام است نباید کسی بیش از چهار صد درهم مهریه ی همسرش را بکند.

فقال أما سمعت ما أنزل الله في القرآن.

آیا نشنیده ای آن چه را که خدای عالم در رابطه با مهریه ی زنان آورده است.

قال و أي ذلك.

در کجای قرآن گفته است؟

بحث اجتهاد و امثال این نیست. این یک چیز دیگری است.

فقال:

این زن گفت.

أما سمعت الله يقول: وءاتيتم إحداهن قنطارا.

اگر چنان چه مهریه ی زنان تان را یک قنطار را هم قرار دادید. حالا در رابطه با قنطار شاید من مفصل توضیح بدهم در سوره ی نساء آیه ی ۲۰ می گوید:

از آن ها حق ندارید بگیریید اگر مهریه ی زن تان را چند صد هزار دینار طلا هم قرار دادید نباید از آن ها باید بگیریید.

قال.

جناب عمر گفت:

اللهم غفرا.

خدایا من را ببخش.

کل الناس افقه من عمر.

همه ی مردم از عمر فقیه تر هستند. این عبارت جناب خلیفه ی دوم است. آقای ابن تیمیه و آقای آلوسی و دیگران این تعبیر را می بینند این طور می گویند یا نه.

ثم رجع.

عمر از نظریه ی خودش برگشت این استدلال خانم به قدری قوی بود عمر از نظریه اش برگشت. و رفت بالای منبر.

فقال يا ايها الناس إني كنت نهيتكم أن تزيدوا النساء في صدقاتهم على أربع درهم.

آی مردم من نهی کرده بودم که شما بیش از چهار صد درهم مهریه ی زن تان را نکنید.

فمن شاء أن يعطى من ماله ما أحب.

هر کس می خواهد هر چه قدر مهریه می خواهد برای زنش بدهد

بعد ابو یعلی می گوید من به گمانم این طوری گفت خلیفه ی دوم.

فمن طابت نفسه فليفعل.

هر کسی هر چقدر دوست دارد بدهد.

آقای ابن کثیر هم می گوید:

إسناده جيد قوی.

این روایت چیزی نیست که ابن کثیر متعصب هم آمده است. وقتی که به این روایت می رسد دیگر نمی تواند اشکالی در سند روایت انجام بدهد. و در دلالت اش هم هیچ حرفی نمی زند مراجعه بفرمایید تفسیر ابن کثیر ج ۱ ص ۴۶۸ چاپ دار الفکر بیروت. این خیلی واضح و روشن است.

و از آن طرف جناب آقای سخاوی از علمای بزرگ اهل سنت است می گوید:

و سنده جيد قوی.

جناب آقای ماوردی از فارسیین دنیای کلام اهل سنت است شافعی هم است. متوفی ۴۵۰ است می گوید:

ألا تراہ یقول علی المنبر:

نمی بینید جناب خلیفه ی دوم بر بالای منبر می گوید:

لا تغالو فی صدقات النساء.

در مهریه ی زنان تان غلو نکنید و زیاده روی نکنید.

فلو کانت تکریمه لکان رسول الله أولاکم بها.

اگر مهریه ی زیاد ارزش داشت و گرامی بود و کرامت بود پیغمبر اولی بود بر این که مهریه ی زنان شان را بیشتر بکنند.

فقال امرأة أعطانا الله و یمنعنا ابن الخطاب.

خدا به ما داده است ولی ابن خطاب دارد جلوگیری می کند.

عمر گفت:

و این اعطاکن.

کجا خداوند به شما هم چنین فضیلتی داده است.

قال: و أتیتم إحداهن قنطارا فلا تأخذوا مه شيئا.

اگر مهریه ی زن تان را قنطاری هم قرار دادید.

یکی از معانی قنطار پوست گاو مملو از طلا.

حالا من نمی دانم یک پوست مملو از طلا امروز چند میلیارد تومان می شود.

فقال عمر: كل الناس أفقه من عمر حتى امرأة.

همه ی مردم فقیه تر از جناب عمر هستند حتی زن.

الحاوی الکبیر فی فقه المذهبی الإمام الشافعی. ج ۹ ص ۳۳۱ کتاب دار الکتب العلمیه ی بیروت.

و همچنین جناب شمس الدین سرخسی از فقهای به نام است آن از علمای شافعی بود ایشان هم باز

می گوید جناب عمر در خطبه ی خودش گفت:

لا تغالوا فی أصدقة النساء.

در مهریه ی زن ها غلو نکنید.

امرأة سفعاء الخدین.

زنی که سیاه چهره بود البته این را بعضی وقت ها به عنوان تحقیر تعبیر می شود حالا شاید هم اصلا

قصدی نداشته است آن زنی که آمده بود معمولا تعبیری که در لسان العرب ج ۸ ص ۱۵۷ ایشان می گوید که

سفعاء الخدین امرأة سوداء و عاطفة علی ولدها أراد أنها بدلت نفسها و ترکت زینة و ترفع شهب لونا.

یک زن سیاه چهری ای برگشت گفت:

أنت تقوله برأیک أم سمعته من رسول الله.

تو داری به رأی خودت داری فتوا می دهی یا این که از پیغمبر شنیده ای. ما در قرآن داریم برخلاف گفته ی تو می یابیم خدا گفته است:

و أتیتم أهداهن قنطارا فلا تأخذوه منه شیئا.

این هم فقیه بزرگ حنفی.

فقیه حنبلی. أبو حفص ابن عادل دمشقی ایشان هم باز همین تعبیر را دارد. می گوید که زنی گفت:

یابن الخطاب الله يعطينا و أنت تمنع.

خدا دارد می بخشد ولی تو جلو گیری می کنی.

و بعد آیه را خواند. بعد از این که آیه را خواند. عمر گفت:

کل الناس أفتة منك یا عکر.

حالا من خیلی نمی خواهم روی واژه ی عکر توضیح بدهم حالا دوستان به کتاب لغت مراجعه کنند. که

معنایش چه چیزی است خودش دارد اعتراف می کند. که چرا همچنین چیزی را گفتی.

کتاب اللباب فی علوم الکتاب ج ۶ ص ۲۶۵.

ابن قیم جوزیه شاگرد ابن تیمیه متوفی ۷۵۱ ایشان هم می گوید مخفی ماند بر جناب خلیفه ی دوم

حکم زیادی در مهر.

علی مهر أزواج النبی صلی الله علی و سلم.

حتی آن زن برگشت آن آیه را خواند و عمر گفت:

کل أحد أفتة من عمر حتی النساء.

همه ی افراد همه ی مردم فقیه تر هستند از جناب خلیفه ی دوم حتی زن ها.

این چیزی است که در کتب اهل سنت آمده است. در کتاب های فقهی شان آمده است. در کتاب های

تاریخی شان آمده است. و دیگر قضاوت با بینندگان عزیز باشد. و ما هیچ گونه داوری هم نمی کنیم.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذار هستم جناب استاد. اگر لطف بفرمایید گر چه یک مقدار اشاره هم فرمودید بحث قنطار را خواستم سوال کنم حضرت عالی هم اشاره کردید یک مقداری هم حضرت عالی فرمودید. اگر مفهوم قنطار را که در آیه ی شریفه آمده است و در حدیث حاج آقا یک مقداری حاج آقا باز کنید. ممنون می شویم.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

اگر دوستان باز مانیتور من را محبت کنند که یک مقداری مستند حرف بزنیم که آقایان نگویند که از خودشان گفته اند. این کتاب هایی که ما داریم غالباً من تلاش می کنم. از مکتبه ی اهل بیت یا از جامع الکبیر و بارها هم گفته ام من به مکتبه ی شامله ارادت ندارم چون هم سرعت اش پایین است و هم درد سر و دنگ فنگ دارد. من حوصله ی این که بروم یک مطلبی را نماز جعفر طیار بخوانم تا بیاید. ندارم. مکتبه ی اهل بیت خیلی سرعت دارد. و هم الجامع الکبیر سرعت اش بالا است من به خاطر سرعت اش از این دو تا برنامه استفاده می کنم و تلاش هم من می کنم. که غالباً محل چاپ و آن ناشر را هم بدهم که چون این چاپ ها مختلف است یک دفعه یک عزیزی نیاید بگوید که من رفته ام و فلان کتاب را که شما آدرس دادید پیدا نکردم.

جناب آقای الأزهری متوفی ۳۷۰ است از اساتین علم لغت اهل سنت است ایشان می گوید قناطر واحد اش مفردش قنطار است. و این در حقیقت مثلی ندارد یعنی آن طوری نیست که بگوییم از یک ماده مشتقاتی داشته باشند.

و هو قدر وزن مسک ثور ذهبا.

قنطار عبارت است از وزن یک پوست گاو که پر از طلا کرده باشند.

ابن منظور خیلی راحت معنا کرده است می گوید قنطار بعضی ها گفته اند صد مثقال است. مثقال اش بیست قیراط است. و همان تعبیر را می آورد بعد می گوید:

قدر وزن مسک ثور ذهبا.

خیلی واضح است. مسک همان پوست است. همان پوست گاو است که زمان سابق وقتی می کشتند پوست اش را یک طوری در می آوردند که مثلا مشک درست می کردند. آب این طرف آن طرف می بردند یا روغنی چیزی در داخل آن می گذاشتند یکی از ظرف هایی بود که معمولا امروز به عنوان کیف یا زنبیل بود در آن زمان هم کیف عرب ها پوست گاو بود.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

قبلا هم در میان آن ها دوغ هم می ریختند و می فروختند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

بله. یعنی پوست گاو را طوری در می آورند که کاملا مثل مشک می شود می گوید:

قدر وزن مسک ثور ذهبا.

به اندازه ای که پوست گاو را پر کنند داخل اش را از طلا این را می گویند قنطار.

جناب نووی هم که از فقهای بزرگ شافعی است متوفی ۶۷۶ است ایشان هم آمده است اقوال مختلفی را آورده می گوید بعضی ها گفته اند که ۱۲۰۰۰ هزار اوقیه است اب حریره از پیغمبر نقل کرده است. و بعضی ها گفته اند هر قنطار هزار دینار است. یعنی هزار تا سکه.

بعضی ها گفته اند ۱۲۰۰ اوقیه است. این ابی بن کعب نقل کرده است. و همچنین به قول عبد الله عمر معاذ بن جبل هم همین را می گوید و روایتی از ابن عباس است که گفته اند ۱۲۰۰۰ درهم یا هزار دینار است. حسن بصری است.

و قيل هو ملأ جلد ثور ذهباً.

بعضی ها هم گفته اند نه پوست گاوی را که پر از طلا کنند این را می گویند قنطار. بعضی ها گفته اند سه هزار تا مثقال است. و بعضی ها گفته اند که چهار هزار دینار است. و بعضی ها گفته اند ۱۲۰۰ مثقال است. بعضی ها گفته اند که نه هشتاد هزار دینار است. و بعضی ها گفته اند هفتاد هزار دینار است و بعضی ها هم گفته اند چهل مثقال است.

و قيل غير ذلك.

همه ی این ها نشان می دهد. که به قیمت امروز حتی همان پایین پایین هم که شما بگیریید هزار دینار باشد یعنی هزار تا سکه ی طلا.

که شما هر سکه ای را هم یک میلیون بگیریید پانصد یا هشت صد هزار تومان بگیریید. ببیند که مثلاً این سر از کجا در می آورد و این نشان می دهد که جناب خلیفه می فرمایند بر این که از شش صد درهم بیشتر نشود هزار درهم می شود صد دینار. چهار صد درهم اگر باشد یعنی کمتر از پنجاه دینار است. این دیگر کاملاً مشخص است بر این که این آقایان به این شکلی دارند بیان می کنند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم حاج آقا یک توصیه ی اخلاقی هم نسبت به مهریه بفرمایید.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

همان طوری که ما عرض کردیم. بینندگان عزیز این که مهریه اگر بیشتر کسی بکند حرام نیست. این نشان می دهد که اسلام برای زن ارزش ویژه قائل است. و به عنوان شریک زندگی است شریک فرزندان آینده ی او است. مادر فرزندان او است. فرق می کند زن با رفیق و با همه و حتی با پدر و مادر و زن یک معقوله ی جدایی است ولی امروز ما می بینیم بعضی از مسائل است که این مهریه های زیاد باعث می شود که خیلی از

خانواده ها از هم می پاشد و الآن شما ببینید یکی از علل آمار طلاق که بالا رفته است. خود کار شناس ها اعلام می کنند که همین قضیه ی مهریه است. یا به فرض اختلافی پیش می آید الآن شما ببینید در زندان چه قدر افرادی به خاطر عدم توانایی پرداخت مهریه آن جا از زندگی ساقط شده اند شبانه روز شان دارد در زندان سپری می شود و لذا نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

بهترین زنان امت من کسانی هستند که مهریه ی آن ها کم باشد. خوش بخت ترین زنان امت دختران امت من آن هایی هستند که مهریه ی کم داشته باشند. خواهران عزیزم و دختران گرامم پدران دختران مهریه خوش بختی نمی آورد.

آن کسی که خوش بختی می آورد دیانت است. و پای بند بودن دختر شما و داماد شما به دین و دیانت است اگر دین و دیانت باشد. و لو این که مهریه ی او یک صلوات باشد زندگی می کند دین و دیانت نباشد دختر اگر بخواهد خود فروشی کند پسر اگر بخواهد خود فروشی کند و لو این که میلیارد میلیارد مهریه باشد این مهریه خوش بختی نمی آورد.

و لذا حتی خود امام راحل و رهبری اگر کسی از چهار ده تا سکه بالاتر باشد اصلا عقد نمی خواند. و بعضی از مراجع بزرگوار ما بر این عقیده هستند که اصلا عقد نمی خوانند و لذا تلاش کنند عزیزان ما حالا یا چهارده تا به نام چهار ده معصوم و دوازده تا به نام دوازده امام از این دیگر بالاتر نروند.

یک بنده خدایی گفت من می خواهم مهریه ای مرا ۱۲۴ هزار بگذارم.

گفتم چرا.

گفت چون ۱۲۴ هزار پیغمبر ما داریم. اگر این طوری باشد سنگی روی سنگ بند نمی آید شما بیابید بگوئید من مثلا چند میلیارد سکه چون آمار ملائکه میلیارد است.

و لذا من تقاضا می کنم. عزیزان یعنی واقعا خوش بختی دخترانشان را می خواهند خود دختر خانم ها می خواهند موفق باشند. اگر پای بند مذهب هستند پیغمبر اکرم می فرماید خوش بخت ترین دختران امت من

کسانی هستند که مهریه ی شان کم است و لذا امروز هم این قضیه معضلی درست کرده است. و لذا من خواهش می کنم که چشم و هم چشمی را از زندگی دختران حذف کنید.

جوان ها حذف کنید. بعضی وقت ها ما می بینیم خانواده ی دختر می گویند خانه داشته باشد ماشین داشته باشد و یک مراسم چنین و چنان باشد. پسر باید بروید قرض کند و به این در و آن در بزند یک مراسمی که در آن جا بگیرد و چند میلیون زیر بار قرض برود. و بعد از چند سال باید وام این را بدهد و مردم آمده اند خوردند و رفتند. و لذا تقاضای من این است که عزیزان ما یک مقداری بحث های ازدواج را سبک بگیرند. و آن چیزی که می خواهند خرج کنند در فلان تالار و غیره این را در اختیار این دختر و پس جوان قرار بدهند زندگی شان را صفا بدهند و کاری کنند که آینده ی زندگی این دو نازنین یک زندگی با صفا و با طراوت باشد.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون حاج آقا از این توصیه ی اخلاقی شما ممنون هستیم خیلی به جا بود. امیدوار هستیم که بینندگان عزیز ما که پای گیرنده هستند و در گیراین مسائل هستند این را توجه کنند و واقعا همان طوری که حضرت استاد فرمودند. هر چه طبق دیانت و دین و مکتب اهل بیت حرکت کنیم خودمان سالم تر و راحت تر هستیم.

و امیدوار هستیم که عزیزان ما توجه کنند. به این توصیه ی اخلاقی که حضرت استاد فرمودند.

حاج آقا من به عنوان آخرین سوال و دیگر فرصت ما هم خیلی کوتاه است. و باید کم کم برویم و وقت ما را تقدیم عزیزان بیننده کنیم و صدای گرم آن ها را بشنویم.

حضرت استاد پیرامون همین صحبتی که شما از جناب آقای خلیفه ی دوم مطرح کردید آیا علمای بزرگ اهل سنت شما یک بخشی هم از آقای ابن تیمیه صحبت کردید آیا دفاع از این جمله ی خلیفه ی دوم دارند یا ندارند در کتب اهل سنت.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

ببینید در این جا جناب آقای محسنی عزیز افراد زیاد آمده اند در دفاع از این جناب آقای خلیفه ی دوم مطرح کرده اند ولی من دو تا از بزرگان اهل سنت را دیده ام که خیلی با آب و تاب آمده اند دفاع کردند. یکی ابن تیمیه ی حرانی است. که البته این عبارت هایش مملو اهانت و توهین جسارت است. یکی هم آقای آلوسی است. یعنی در قرن هشتم آقای ابن تیمیه متوفی ۷۲۸ در قرن ۱۳ آقای آلوسی متوفی ۱۲۷۰.

من بعضی از قسمت های جناب آقای آلوسی است که اشاره می کنم. و بماند ما بقی اش برای ان شاء الله جلسه ی بعد که ما مطلب را نقل کنیم و جواب ندهیم این یک مقداری شاید زیبنده نباشد.

دوستان اگر مانیتور من را یک لحظه محبت بفرمایند.

بله. آلوسی متوفی ۱۲۷۰ نقل می کند این روایتی که ما نقل کردیم که زنی اعتراض کرد و گفت آیا

نشنیدید که خدا در قرآن این طوری گفته است.

جناب عمر گفت:

اللهم اغفر کل الناس أفرقه من عمر.

بعد رفت بالای منبر چنین و چنان و بعد ایشان می گوید:

و طعن الشيعة بهذا الخبر على عمر.

شیعه آمده طعنه زده است و اعتراض کرده است به این خبر بر جناب عمر.

لجهله بهذه المسألة.

چون جناب عمر جاهل بوده است به این مسئله.

و إزام امرأة.

و این که این زن باعث شد که این را ملزم کرده است و صحبت خلیفه را با آیه رد کرده است.

و قالوا.

شیعه گفته است:

إن الجهل مناف للإمامة.

من تقاضا دارم که عزیزان به عبارت خوب توجه کنند. عبارت جناب آقای آلوسی است. آلوسی نسبت به دیگران تقریبا گرچه در خیلی از جاها خیلی تشدد دارد و تند روی دارد ولی غالبا مبنایش مبنای علمی است یعنی من برداشت ام این که اگر ۶۰ یا ۷۰ درصد حرف می زند علمی حرف می زند.

۳۰ یا ۴۰ درصد هم به خاطر این که تفکر سلفی دارد باید فحش بدهد اگر فحش ندهد که معلوم نمی

شود که سلفی است. سلفی بودنش باید به یک نوعی ثابت بشود.

می گویند یک زن و شوهری داشتند از یک رودخانه ای رد می شدند آب می آمد مرد گفت من جرأت

نمی کنم من را سیل می برد زن رفت آن طرف و برگشت گفت مرد دیدی که من را سیل نمی برد. گفت نه من

می ترسم.

خلاصه مجبور شد که این زن مرد را گرفت به کولش و برد به آن طرف در وسط راه دید که خیلی

سنگین است گفت مرد چه قدر سنگینی گفت اگر سنگین نشوم از کجا معلوم است که من مرد هستم.

مردانگی ما باید یک جایی ثابت بشود. حالا اگر آقای آلوسی هم اگر چهار تا توهین نکند معلوم نیست

که سلفی است. سلفی بودنش هم باید با چهار تا توهین و اهانت و بعضی عبارت ها که من دوست ندارم الآن

ذهن بینندگان عزیزمان را مکدر کنم.

بعضا نسبت به بعضی شیخ طوسی و غیره می رسد با یک تعبیر وقیح به عنوان سگ رافضه و امثال این

مطرح می کند و این تعبیر زبینه ی آلوسی نیست خب شما که بحث علمی دارید وقتی که آمدید بحث علمی

کردید ما هم استقبال می کنیم. دانه دانه فرمایش شما را نقل می کنیم و نقد اش را هم می گوئیم. حالا

مخاطبین ما قبول می کنند یا قبول نمی کنند اختیار با خودشان است.

می گوید که شیعه آمده است طعنه زده است. اعتراض کرده است به خلیفه ی دوم که آقای خلیفه ی دوم به هم چنین مسئله ای جاهل بوده است و یک زنی آمده است او را آگاهی داده است. و جاهل با امامت منافات دارد.

این را ان شاء الله ما در جلسه ی آینده بحث می کنیم که آیا جاهل با امامت منافات دارد آقای آلوسی این حرف شیعه است. یا اهل سنت هم همین را دارند.

که می گویند باید امام اعلم الناس باشد. از همه مجتهد تر باشد و اجتهادش قوی تر باشد این که حرف شیعه نیست. بزرگان شما آورده اند آیه ی قرآن را ما آورده ایم سنت پیغمبر را ما آورده ایم و امثال این که امام و خلیفه باید اعلم الناس باشد.

این که نمی شود آقا بیاید یک دستوری بدهد و بعد دستور هم خلاف دستور خدا و قرآن و سنت باشد. مثلا اگر این خانم اعتراض نمی کرد این به عنوان یک سنت می ماند و در تاریخ مطرح می شد. تصور می کردند مردم بر این که این سنت پیغمبر است و این شریعت است. همان طوری که در قضیه ی متعه یک همچنین اتفاقی افتاده است. که ایشان به صراحت می گوید زمان پیغمبر بوده است من حرام می کنم.

این مباحث کاملا واضح و روشن است بعد جالب این جا است بینندگان عزیز قشنگ دقت کنند حرفی که جناب آقای آلوسی زد ما از این که خیلی علمی بحث کرده است و مباحث را مطرح کرده است ما تشکر می کنیم. ولی این طور مباحث علمی را ما احساس می کنیم زبینه ی مقام علمی یک فردی مثل جناب آلوسی نیست.

أجیب.

ما در این جا جواب می دهیم.

بأن الآية ليست نسا في جواز أيتاء القنطار.

خدای عالم می گوید:

و اتیتیم إحداهن قنطارا فلا تأخذوه أنه شیئا.

این دلیل نیست که به اندازه ی قنطار مهریه قرار دادن جایز است.

قرآن می گوید:

و اتیتیم إحداهن قنطارا.

اگر به اندازه ی یک پوست گاو هم طلا مهریه قرار دادید حق ندارید بگیریید.

آقای آلوسی می گوید نه. این آیه نص بر جواز نیست و یک مثال می زند. مثال اش خیلی خنده آور

است.

مثلا کسی بیاید بگوید:

إن جاءك زید و قد قتل أخاك فأعف عنه.

اگر زید آمد برادر تو را هم کشته بود از او در گذر.

و هو لا یدل علی جواز قتل الأخ.

این که دلالت نمی کند پس کشتن برادر جایز است.

من نمی دانم جناب آقای آلوسی چه قیاسی دارد می کند می گوید اگر کسی آمد گفت برادرت را کشته

ام از او بگذر.

این چه ارتباطی به قضیه دارد قرآن می گوید اگر مثلا صد هزار یا هفتاد هزار دینار هم دادید حق ندارید

که بگیریید. یعنی اگر واقعا هفتاد هزار دینار با این جایز نبود آیا خدای عالم می آمد مثال می زد.

عزیزان دقت کنند که من در این جا جواب دادم که.

لو لم یکن أیتاء القنطار جایزا کیف یعلق الكتاب الحکم علی أمر غیر جائز.

اگر واقعا ایتاء قنطار مشروع نبود چه طور در کتاب الهی یک امری معلق بر یک امر غیر جایز شده

است.

مثلا بیاید بگوید:

لو سرقت من بیت فلان مثلا فهو لك؟

آیا این است. خود امام قرطبی خیلی قشنگ جواب می دهد. من این عبارت آقای قرطبی را وقتی داشتم می آمدم خیلی اتفاقی یافتم. خیلی برایم جالب بود. که در ذیل عرض خودم آورده ام. می گوید:

و آیتیم إحداهن قنطارا.

دلیل علی جواز المغالاة فی المهور.

این دلالت می کند انسان هر چه مهریه ی زنش را بیشتر کند جایز است.

لأن الله تعالى لا یمثل إلا بمباح.

خدا مثال نمی زند مگر به امر مباح.

اگر.

آیتیم إحداهن قنطارا.

مباه نبود خدا که نمی آمد مثال بزند. اصلا لغو می شد. توهین به قرآن است اهانت به خدای عالم است.

نمی دانم آقای آلوسی چه فکری کرده است حالا البته باید این جناب آقای سجودی باید تشخیص بدهند که قضیه چه بوده است. و چه در صبحانه و نهار و شام چه میل فرموده بودند.

یا مثلا در بین غذا هایشان چه میل فرموده بودند؟

این اصلا از آن جایگاه علمی آقای آلوسی خیلی بعید است. این آیه دلالت بر جواز قنطار نیست. و اگر

جواز قنطار نیست چطوری می آید مثال می زند.

اگر یک قنطاری هم قرار داده است. حق ندارید بگیرید مثلا بیاید بگوید. با فلان نستیجیر بالله زنا کردی

تو حق نداری این چه مثالی است ک جناب آقای آلوسی می زند. این چه برداشتی است البته ما در قسمت های

مختلف فرمایش آقای آلوسی حرف داریم. و من جمله ایشان آمده گفته است که این دلیل بر جواز نیست. اصلا

این بر خلاف نظر خود خلیفه ی دوم است. بعد از اعتراض این زن آمد رفت بالای منبر گفت آی مردم من نهی می کردم می گفتم بیش از چهار صد درهم مهریه قرار ندهید ولی بعد از این هر کاری که دل تان می خواهد بکنید. هر چه قدر از اموال تان دل تان می خواهد مهریه قرار بدهید.

یعنی این که شاه می بخشد شاه قلی نمی بخشد و کاسه ی داغ تر از آش هم شده اند.

این آقای آلوسی و این خلاف نظریه فقهای اهل سنت است مفسرین اهل سنت است. اصلا سیره ی عملی خلیفه ی دوم خلاف همین است.

حجّه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم حضرت استاد ممنون و سپاس گذار هستیم از این فرصتی که در اختیار ما قرار دادید و این مطالب بسیار زیبا و علمی که مطرح کردید.

امیدوار هستیم عزیزانی که پای گیرنده بودند و مباحث را پیگیری کردند مباحث مورد استفاده ی شان قرار گرفته باشد. و به هر صورت این مباحث علمی است. و لزوم اش این است که دقت بشود و عزیزان هم یک تدبیری بکنند و ان شاء الله تفکری کنند و مطالب را پیگیری کنند که امیدوار هستیم پایان این مباحث خداوند ان شاء الله آن راه ثواب و آن راه توفیق را ان شاء الله به همگان نشان بدهد. و این حجت بلیغ به همه ی ما خواهد رسید و ما هستیم که باید تصمیم بگیریم. و راه مان را بین خودمان و خدای خودمان انتخاب کنیم. امیدوار هستیم که عزیزان استفاده برده باشند و فرصت ما تمام شد و یک فرصت کوتاهی هم بگیریم. و استراحت مختصری داشته باشیم و بر گردیم در خدمت شما عزیزان باشیم و صدای گرم شما عزیزان را بشنویم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

ممنون و سپاس گذار هستیم از شما بینندگان فهیم که تا این لحظه ما را همراهی کردید ان شاء الله این بخش پایانی که تعلق به خدا شما دارد. را به شما عزیزان دارد ان شاء الله همراه ما خواهید بود و ان شاء الله صدای گرم عزیزانی که روی خط می آیند را خواهیم شنید.

و ان شاء الله استفاده خواهیم برد قبل از این که بیننده ی اول را صدایشان را بشنویم توصیه می کنیم. و تذکری را که خدمت شما عزیزان می دهیم این است که لطف بفرمایید خواهش می کنیم که خیلی سوال ها مختصر و مفید باشد. خیلی هم وقت برنامه را نگیرد. و عمدتاً به مطالب علمی ان شاء الله پرداخته بشود و از قبل هم آمادگی داشته باشید برای این که سوال را خوب مطرح کنید به هر صورت خود خوب سوال کردن نصفی از کار است. و عزیزان ان شاء الله این توجه را داشته باشند. و ما به هر صورت چون یک جنبه ی عمومی دارد و همه ی عزیزان در سراسر عالم دارند نگاه می کنند این است که خواهش می کنیم بحث ها را خیلی شخصی نشود و عزیزان توجه کنند که ان شاء الله استفاده ی بهتری را عزیزان ببرند.

سپاس گذار هستیم جناب آقای گلستانی از کاشمر اولین بیننده ی ما هستند که روی خط می آیند سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

ب:

سلام و عرض ادب دارم خدمت حضرت آیت الله استاد دکتر حسین قزوینی و شما مجری محترم آقای محسنی عزیز.

بنده تماس گرفتم خدمت شما از حضرت استاد تشکر کنم و واقعا خدا قوت به ایشان بگویم بابت برنامه ی خوبی که من جمعه شب از برنامه ی ولایت دیدم برنامه ی ندای شیعه.

باور بفرمایید بنده از لحظه ای که این برنامه را دیدم چندین بار سجده ی شکر به جا آوردم آن هم به این خاطر که می بینم الآن دیگر واقعا لازم نیست. استاد حسینی قزوینی و همچنین شما به شبهات پوشالی این آقایان جواب بدهید. و بینندگان در پرتو تعالیم آموزش های آقای استاد قزوینی و سایر اساتید واقعا بینندگان شبکه و شاگردان شاگردان استاد قزوینی دارند به این خوبی مطرح می کنند. و پاسخ شبهات این آقایان را می دهند.

دست شما درد نکند حضرت استاد خدا قوت امید وارم که این برنامه ها و سایر برنامه های این شبکه ذخیره ای باشد برای آخرت شما و دیگر دوستان شما.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سلامت باشید آقای گلستانی خدا خیرتان بدهد. دعا بفرمایید ان شاء الله برای توفیقات ما و دوستان.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

ان شاء الله که مرضی مولای ما و سرور ما حضرت بقیه الله الأعظم اروحنا فدا قرار بگیرد ان شاء الله حالا ما ان شاء الله بعد ها این بحث ندای شیعه یک مقداری جا بیفتد حالا بعدا بعضی از کوچولوهایی که پای بحث ها بودند و الآن توان مند شده اند و می توانند پاسخ بدهند. ان شاء الله در آینده جناب آقای گلستانی برنامه های خیلی خوب و دل شاد کننده ای ان شاء الله از شبکه ی ولایت بینندگان عزیز ما خواهند دید حتی بعضی از خانم هایی که خانه دار هستند و در سایه سار این برنامه هایی که به فضل الهی ما داشتیم الآن به یک مرحله ای رسیده اند. آن خانمی که از نیویورک بود که زنگ زد گفت من اول اگر یک وهابی یا یک سنی می دیدم فرار می کردم می ترسیدم که سوالی بکنند و من نتوانم جوابی بدهم ولی الآن دنبال این ها می گردم دنبال یک وهابی می گردم که یک مناظره با او داشته باشم.

همه ی این ها جناب آقای گلستانی بزرگوار تفضل الهی است ما خدا را شاکر هستیم. الحمد لله رب العالمین و از شما هم تشکر می کنیم و ان شاء الله عزیزان ما دعا کنند و اگر ما موفقیتی هم است به برکت دعای شما عزیزان و گرامیان است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

آقای گلستانی سوالی دارید یا نه؟

ب:

من فقط می خواستم یک پیشنهاد برای بهتر شدن برنامه ندای شیعه دارم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بفرمایید در خدمت شما هستیم.

ب:

اگر بشود که یک مقدار کلیپ ها درست تر بشود و قسم ملا زاده را کلیپ هایش را بیشتر کنند. بله. همین پیشنهاد را داشتم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون و سپاس گذار هستیم خدا شما را خیر بدهد. با شما خداحافظی می کنیم جناب آقای نوری از سنندج اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب داریم و در خدمت شما هستیم آقای نوری.

ب:

سلام علیکم جناب آقای محسنی عزیز و جناب آقای دکتر حسینی قزوینی.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

سلام علیکم جناب آقای نوری بزرگوار.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سلام علیکم رفیق قدیمی ما دیگر شما را کم زیارت می کنیم. جناب آقای نوری.

ب:

خواهش می کنم ان شاء الله که همیشه موفق و موید باشید.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سلامت باشید در خدمت شما هستیم.

ب:

چند وقتی است که کم سعادت بودم و نتوانستم که خدمت برسم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بیننده ی برنامه که هستید.

ب:

یک مدتی است که متأسفانه نتوانستم برنامه را دنبال کنم و چند وقتی است که نتوانستم برنامه ی شما

را ببینم ولی الآن جدیداً بله دوباره دیده ام.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خدا را شاکر هستیم.

ب:

جناب آقای محسنی عزیز و جناب آقای قزوینی بزرگوار یک چند مدتی است که می خواهم اصل حقیقت را بگویم یک چند مدتی بود که من هر چیزی را با تعصب به آن نگاه می کردم. اصلا هر چیزی که از شیعه مطرح می شود نباید اصلا قبول اش کنیم هر چیزی که از مخالف اهل سنت باشد ما قبول اش نمی کردیم. ولی تصمیم گرفتم انصافا این تدبیر من بود زیاد هم نه حدود یک سال اصلا یک ماه انسان تعصب را کنار بگذارد. من خودم را می گویم. با دیده ی بدون تعصب نگاه کند. آن عینک تعصب را بر دارد و بعد حقیقت این است که سوالی که من دارم این سوال را باید از علمای اهل سنت بپرسم و آن ها باید جواب به من بدهند. یا این که به من جواب بدهند یک هفته هم به این ها وقت می دهم در شبکه ی وهابی جواب می دهند خودشان جواب می دهند در شبکه ی ولایت جواب می دهند در هر کجا که می توانند و می خواهند به من جواب بدهند. برای من سوال پیش آمده است. زمان حضرت عمر رضی الله عنه می رود با یزید بیعت می کند و این با علی بن ابی طالب بیعت نمی کند. اگر من بیایم عبد الله عمر را قبول کنم کار این درست بوده است. و یا کار علی بن ابی طالب و هیچ وقت دو تا حق با هم بجنگند یکی از آن ها به حق بوده است و آن یک نا حق بوده است. و یا اگر چیز دیگری است که من نمی دانم خب بفرمایند و برای من توضیح بدهند. و سوال دیگر برایم پیش آمده است. وقتی همین عبد الله عمر در جنگ صفین در برابر علی بن ابی طالب جنگیده است. این برایم روشن بشود واقعا برای من مهم است.

حالا من این سوال را دارم. این اگر برایم روشن شد و همه چیز برای روشن می شود و سر مذهب ام می مانم. و پای بند و معتقد هستم. در غیر این صورت مجبور هستم یک راهی را برای خودم انتخاب کنم این

سوال من از علمای اهل سنت است. انصافا می گویم من هیچ گونه تعصبی ندارم قرار گذاشته ام که هر تعصبی را کنار بگذارم. تا این که به نتیجه ای برسم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بله. خیلی سوال به جایی است. امیدوار هستیم که علمای اهل سنت یا این شبکه های وهابی جواب شما را بدهند. و به هر صورت شما را از این سر در گمی در بیاورند و ان شاء الله که شما هم به آن حقایق برسید. و سوال خیلی خوبی است جناب آقای نوری و امیدوار هستیم که موفق باشید.

ب:

جناب آقای محسنی عزیز یک سوال دیگر هم دارم انصافا جناب آقای قزوینی موقعی که سوال می شود از شما سریع می گوئید صحابه صحابه من نمی دانم چرا این طوری می گوئید گاهی اوقات از دست شما هم ناراحت می شود کدام صحابه را شما می گوئید آن صحابه ای که چهار شبه نماز جمعه خوانده است. آن صحابه منظور شما است.

من یک سوال کردم گفتم که نظر من این است حالا نظر آلوسی چه بوده و به این و آن کاری ندارم بالاخره من می خواهم که به حقیقت برسم. حضرت ابراهیم اول می گوید ستاره بعد از ستاره می گوید ماه و بعد از ماه می گوید خورشید و بعد می گوید نه نه خدایا من را هدایت کن. حالا من هم می گویم خدایا من را هدایت کن جناب آقای قزوینی.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

جان دلم.

ب:

جناب آقای قزوینی اگر صدای من را دارید من گاهی اوقات در این جلسات که می نشینیم صحبت می کنیم. به هر حساب نمی گویم یک گوشه ای از معنی قرآن را می دانم می فهمم چون چند تا از تفسیر های شیعی در دستم است المیزان، تفسیر نور آقای قراعتی است تفسیر نمونه ی آقای مکارم شیرازی است و کتاب های شیعه خیلی در کتاب خانه ام است. بعد که در این جلسات نشستیم ام یکی از این آیه هایی که گفتم و دو سه تا آیه کنار گفتم آیه ی ۲۱ سوره ی آل عمران است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

داشتم این را صحبت می کردم گفتم که این آیه یک پیامی برای ما دارد. پیامش این است که گفته است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ.

کسی که تکفیر آیات خدا را بکند. به تدریج به استدراک درجه بندی شده پیامبران و نبیین هم راضی می شود. چون در این جا.

يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ.

پیامبری بعد قرار بیاید پیامبر خودمان بوده است. و بعد این اشاره می کند.

فَبَشِّرْهُمْ.

برو به این ها بشارت بده.

بعد این را گفتم گفتم که این آیه پیامش این است یک بنده خدایی گفت نه آقا جا شما اشتباه می کنید

این را من تلفن را قطع می کنم و از شما می شنوم شما ان شاء الله یک جواب دقیقی از این آیات به من بدهید

و آن سوال من هم از اهل سنت بود. انصاف به همین قرآن اگر برایشان ارزش دارد بیایند جواب من را بدهند
اگر نه به حق این قرآن یک هفته بیشتر نمی توانم دوام بیاورم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

دست شما درد نکند.

ب:

یا مسیحی می شوم یا شیعه می شوم. خلاصه می روم سراغ یک مذهبی که یک جواب گوی درستی
داشته باشد. وقتی که هم که می روم سوال می کنم. می گویند که شما مرتد شده اید من نباید بفهمم که کدام
حق است و کدام نا حق است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

مچکر هستیم از شما جناب آقای نوری بزرگوار. اگر دوستان مانیتور من را محبت کنند این فرمایشی که
ایشان داشتند در رابطه با عبد الله عمر این عبارت جناب آقای ابن حجر العسقلانی است در کتاب فتح الباری ج
۱۳ ص ۱۹۵ ایشان در این جا می گوید که عبد الله عمر با عبد الله زبیر بیعت نکرد.

كما كان امتنع أن يبایع لعلي .

همان طوری که امتناء کرد از این که با علی بن ابی طالب بیعت کند و هم چنین با امام حسن هم بیعت
نکرد.

و بایع لابنه یزید بعد موت معاویه.

بعد از مرگ معاویه رفت با پسر معاویه یزید بیعت کرد.

این دیگر عبارت آقای ابن حجر العسقلانی است. که تقریبا مفروقا دارد قضیه را نقل می کند. بعد می گوید با عبد الملک مروان رفت بیعت کرد و آن قضیه ی بیعت با حجاج هم که با پایش بیعت کرد آن هم که دیگر در کتاب هایی مثل شرح نهج البلاغه ابن ابا الحدید ج ۱۶ ص ۱۰ و امثال این آمده است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

حاج آقا به جا است این قضیه ی پا را هم مطرح کنید.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

این را ما بار ها گفته ایم که بینندگان عزیز ما این را مفصل آورده اند و حالا اگر فرصتی بود در آخر عرض می کنم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم جناب آقای نوری دیگر سوالی ندارید.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

مثل این که قطع کرده اند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خدا نگه دار شما باشد جناب آقای محمد تقی از افغانستان البته من قبل از این که آقای محمد تقی روی خط بیایند از آقای نوری تشکر می کنم. و این که پیگیری می کنند این مسائل را و ان شاء الله اگر پاسخی ندادند. بعدش هم باز هم حقایق را دنبال کنند. نروند خدای نکرده یهودی و مسیحی بشوند. بروند ان شاء الله به حقیقت دست پیدا کنند. و حتما جوینده یابنده است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

من این را جناب آقای نوری خدمت شما بگویم و داشته باشید.

و الذین جاهدوا فی النار لنهدهم سبلنا.

هر کس با اخلاص قدم بگذارد در میدان تحقیق خالصانه از خدای عالم کمک بگیرد. و توکل بر خدای

عالم کند.

من لیتوکل علی الله فهو حسبه.

همان طوری که ایشان اشاره کردند. این پرده های تعصب را ما کنار بگذاریم چه شیعه و چه سنی و

تحقیق کنیم و آن چه که تحقیق ما نتیجه داد. بر او پای بند باشیم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بله. حاج آقا به یاد یک مطلبی افتادم اگر اجازه بدهید که این را هم بگویم به خاطر آقای نوری. ما سرو

کار مان با این دانشجو های غیر ایرانی زیاد است. و من یادم نمی رود یکی از این دانشجو هایی که دینی

نداشت به قول خودش می گفت که من ملهد بودم در راستای فرمایش حضرت استاد که ایشان می گفت من

می دیدم که نام ادیان مختلف است مسیحی، یهودی و این ها یک چیزی می گویند و مسلمان ها یک چیز دیگر

می گویند. من یک نجوای مختصری با خدا کردم که اصلا اعتقادی به خدا نداشتم فقط عرض کردم که اگر

هستی خودت را به من نشان بده و این همانا و این که بیاید و این مسیر را طی کند. و مشرف بشود به دین

اسلام و شیعه بشود و این را خدا به او لطف کرد و رسید به قضیه ای که می خواست.

سپاس گذاری می کنیم جناب آقای محمد تقی از افغانستان پشت خط هستید سلام و عرض ادب

داریم اگر صدای بنده را دارید.

ب:

سلام عليكم ورحمه الله و برکاته. سلام بر شما و کار شناس محترم استاد بزرگوارم آقای قزوینی.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سلامت باشید عرض سلام و خسته نباشید. خدمت شما آقا محمد تقی در خدمت شما هستیم.

ب:

خیلی خوش حال هستم

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

صدای شما خیلی ضعیف است من خواهش می کنم که همکارانم اگر صدا از طرف ما ضعیف است یک

کمی صدا را تقویت کنند. و اگر از طرف شما است. شما لطف کنید که تقویت کنید.

ب:

بله. چند هفته قبل آقای گفت که من دنبال حقیقت هستم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

اصلا کلا صدای نا مفهوم است. و ما چیزی را متوجه نمی شویم. اگر همکاران عزیز من لطف کنند دوباره

ارتباط را بر قرار کنند ممنون می شوم و ما ارتباط بعدی را بر قرار می کنیم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

دوستان دوباره بگیرند تلفن آقای محمد تقی را اگر اصلاح شد بیاورند روی خط و ما در خدمت شان

هستیم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

جناب آقای بلوچ از چا بهار از برادران اهل سنت اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمت

شما.

ب:

الو سلام علیکم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

و علیکم السلام.

ب:

جناب خسته نباشید.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

مچکر هستیم در خدمت شما هستیم.

ب:

تشکر می کنم از برنامه ی خیلی خوب شما و من خوش حال هستم که علمایی هستند مثل شما که

واقعا جانب حق را می گیرید. و برایم یک شبهه ای پیش آمده است. چند وقت پیش یکی از مسئولین اهل

تشیع برادران خودمان آمده بود. برای یک دیداری در یک مسجدی در نماز جمعه.

او در نماز جماعت شرکت کرد و بعضی از علما هم که سواد چندانی هم ندارند و من از آن ها پرسیدم که

می شود برا دران اهل تشیع پشت سر شما نماز بخوانند شما می گوئید که آن ها می توانند پشت سر ما نماز

بخوانند. ولی اهل تسنن نمی تواند پشت سر یکی از برادران اهل تشیع نماز بخواند این شبهه برای من پیش آمده است که چه طور یک برادر اهل تشیع می تواند پشت سر امام جماعت اهل تسنن نماز بخواند حالا اهل تسنن نمی تواند پشت سر یکی از برادران اهل تشیع نماز بخواند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

این را ما نباید جواب بدهیم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

آقای بلوچ بزرگوار این را شما باید از بزرگواران اهل سنت سوال کنید این عمومی نیست. خیلی از بزرگان اهل سنت مثل جناب آقای شیخ الأزهر بود که رسماً فتوا داد که می شود پشت سر شیعه نماز خواند. و اشکالی ندارد و خود جناب آقای دکتر طیب گفت اگر من به نجف بروم پشت سر مراجع نجف نماز می خوانم. ببینید این طوری نیست که همه قبول نداشته باشند.

الآن شما ببینید برادر بزرگوار من آقایان اهل سنت نه تنها پشت سر نماز نمی خوانند حنفی ها پشت سر شافعی ها نماز نمی خوانند همین بیست روز قبل در همایش بین المللی و هفته ی وحدت بود گفت آن جا ما می دیدیم که آقایان شافعی ها نماز جماعت جدا دارند. آقایان حنفی ها جدا دارند آقایانی که خارج از کشور آمده اند جدا دارند. جالب است که سه چهار سال قبل بود که من رفت نماز بخوانم در یکی از زیر زمین هایی که آن جا بود و از دوستان علمای شیعه زیاد بودند آمدند و پشت سر من اقتدا کردند. حدوداً نزدیک صد نفر بودند. جناب آقای سید حسن ربانی بعد از نماز گفت به به چه کنفرانس وحدتی است ما این چهارمین نمازی است که من دارم می بینم که دارد برگزار می شود.

ببینید برادر عزیزم یک مقداری من معتقد هستیم این بزرگان و اعظم اهل سنت مثل حنفی ها اگر کسی را قبول دارند دو نه سه نفر را باید معرفی کنند. آقایان شافعی ها هم به این شکل و آقایان حنبلی ها هم به همین شکل و آقایان مالکی ها و شیعه هم به همین شکل و با هم بنشینند و این ها را بحث کنند و مناظره یا گفت و گوی علمی به یک نتیجه ی قاطعی برسند. آقایان اهل سنت می گویند چون شیعه ها وضویشان باطل است. نماز پشت سر این ها باطل است. چون آقایان شیعه ها دلیل شان این است شما دلیل خواستید آقای بلوچ بزرگوار می گویند چون شیعه موقع وضو گرفتن پاهایشان را نمی شویند. مسح می کشند و وضویشان باطل است پس نماز شان هم باطل است شافعی ها که دیگر پاهایشان را می شویند. چرا پس پشت سر آن ها نماز نمی خوانید شما.

آیا عزیزان شافعی پشت سر دیگران نماز نمی خوانند. الآن این اختلافاتی که بین خود عزیزان اهل سنت ما است. در مباحث فکری شما ببیند این کتاب آقای ابن جزری الفقه المذاهب الأربعة اصلا شیعه را شما بگذارید کنار.

الفقه المذاهب الخمسه ی جناب آقای مغنیه استاد بزرگوار ما رضوان الله تعالی علیه نمی خواهم که مطالعه کنید که ایشان آمده است فقه المذاهب خمسہ را چهار مذهب اهل سنت و یک مذهب شیعه را هم آورده است.

آن را نه بزرگواری کنید آقای بلوچ بزرگوار این کتاب الفقه المذاهب الأربعة را ملاحظه کنید ببینید که از اول تا آخر این کتاب چند تا مسئله ی فقه ی نگاه می کنید که چهار مذهب با هم اتحاد نظر داشته باشند. حالا من اگر فرصت بشود. یک روزی اصلا در رابطه با اختلاف اهل سنت در مباحی فقهی که همدیگر را رد می کنند و به همدیگر می گویند آن باطل است.

و لذا این ها به قدری مشکل ایجاد کرده است که حالا قبلا هم شاید خیلی مهم نبوده است. ولی ا لآن یک مسئله ای است جناب آقای بلوچ و عزیزان بلوچ های دیگر که دارید صحبت های ما را می شنوید من الآن همین فایل را آورده ام. در رابطه با خود نماز است.

همین قرائت نماز مثلا جناب امام ابو حنیفه می گوید اگر کسی به فارسی هم نماز بخواند اشکالی ندارد. دیگر فقها همه می گویند باطل است یعنی اگر یک امام جماعت حنفی باشد. می گوید:

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. یا به انگلیسی می گوید.

می گویند که خانم وهابی ایستاده جلو و دست هایش هم تا بالا باز است. و سر لخت دارم نماز می خوانم این هم یک قراعتی است. شما ببینید الفقه المذاهب الأربع ج ۱ ص ۲۵۳ را ملاحظه بفرمایید می بینید که به چه نحوی است. یا در رابطه با کیفیت رکوع اختلاف دارند.

در رابطه با کیفیت تشهد با هم دیگر اختلاف دارند که اصلا آیا همین تهیاتی که آقایان می گویند.

التهیات لله و الصلوة و الطیبات السلام علیک ایها النبی.

ببیند برادر عزیز من اقوال ائمه ی احناف چه طوری است شافعی چه طوری است مالکی چه طوری است حنبلی چه طوری است. ببینید عزیز من تمام این ها برنامه هایشان کاملا متفاوت است. یا اصلا ما چگونه از نماز بیاییم بیرون.

من نمی دانم خجالت می کشم که بگویم که امام ابو حنیفه می گوید انسان می تواند و لو با نقض وضو باز نمی کنم من.

یعنی دارید نماز می خوانید یک دفعه وضویت باطل می شود. از نماز می توانی بیایی بیرون. یا اصلا کیفیت نماز چگونه است. این نمازی که پیغمبر اکرم به قول سیزده سال در مکه و یازده سال در مدینه نماز خوانده است در همین کتاب الفقه المذاهب الأربعه همان ج ۱ ص ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴ و ۲۰۵ را مطالعه بفرمایید

ببینید ما احترام می گذاریم به علمای اهل سنت. ولی این دعوای شیعه و سنی نیست. مثلا یک پیش نماز حنفی رفته است آن جا طبق فتوای امام اعظم مثلا به جای این که بگوید:

السلام علیکم ورحمة الله.

بگوید سلام و غیره بدهد مثلا کاری دیگر بکند. و از نماز بیاید بیرون. و این را آقایان حنبلی ها شافعی ها مالکی ها حاضر هستند پشت سر او نماز بخوانند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

فقهایی ما با این که معتقد هستند وضو گرفتن اگر کسی پاهایش را بشوید قطعا باطل است. بسم الله اگر نگوید باطل است. سوره نخواند باطل است. سلام را ندهد موجب بطلان نماز است. یعنی از دیدگاه شیعه و یک عزیز اهل سنت که نماز می خواند. پنجاه تا مبطل دارد. چهل تا مبطل دارد. با همه ی این ها می گوید پشت سر یک سنی نماز بخوانید اشکالی ندارد. ما روایت داریم از امام صادق که اگر پشت سر یک سنی نماز بخوانید مثل این است که پشت سر پیغمبر سر صف اول شما نماز بخوانید. ما این شکلی هستیم جناب آقای بلوچ بزرگوار.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

این دیگر حدیث واقعا نایابی بود آقای بلوچ که حضرت استاد فرمودند.

ب:

از شما ممنون هستیم استاد عزیز دست شما درد نکند. این را هم من تحقیق می کنم بعد ان شاء الله دوباره تماس خواهم گرفت. دست شما هم درد نکند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

در خدمت شما هستیم خدا شما را یاری کند. و خدا نگه دار شما باشد.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

تشکر می کنیم از حضرت عالی و دیگر عزیزان اهل سنت ما که این چنین منصفانه می آیند مباحث را

مطرح می کنند و دنبال حل قضیه هستند من واقعا از حضرت عالی تشکر می کنم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

جناب آقای شریفی از استان البرز اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب دارم خدمت شما.

ب:

سلام علیکم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

و علیکم السلام.

ب:

ضمن عرض سلام و خسته نباشید. خدمت استاد بزرگوار آقای حسینی قزوینی من دو تا سوال از جناب

آقای خدمتی داشتم که پشت تریبون می آید حرف های دروغ می گوید این سوال من جوابش از نظر ما شیعه

ها معلوم است چرا حضرت علی در خانه ی کعبه به دنیا آمد؟

و چرا تولد امام های ما در یک ماه به صورت پشت سر هم است؟

و سوال سومم چرا هیچ یک از این وهابیون که خودشان را از اهل سنت می دانند به گفته های خلیفه ی چهارم که حضرت علی علیه السلام باشد عمل نمی کنند یعنی در گفته هایشان هیچ کلامی از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام نیست. و چرا این ها برای خودشان فردی به آقایی و بزرگواری حضرت عباس علیه السلام ندارند؟

ممنون می شوم که این سوال ها را مطرح کنید و این آقای خدمتی هم که پشت تریبون می آید و من یک تشکر از این شبکه ی کلمه می خواهم بکنم به این دلیل که من را واقعا بیدار کند من یک شیعه ی خفته بودم نمی دانستم که مذهب تشیع یعنی چه؟

یک اطلاعاتی تا الآن کسب کرده ام که واقعا برای شیعه جای تأسف دارد. ممنون می شوم از این برنامه های خوب و عالی شما ان شاء الله خداوند به شما قوت و عمر با عزت عنایت کند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

خواهش می کنم دوستان لطف کنند مانیتور من را محبت کنند جناب آقای بلوچ بزرگوار ببینید این روایت صحیح السند در کتاب های کافی و در کتاب های دیگر هم است. کتاب کافی ج ۳ ص ۳۸۰ ح شماره ۶۰۶.

علی أبراهیم عن أبيه عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي.

از امام صادق:

معهم فی الصف الأول.

هر کسی با عزیزان اهل سنت نماز بخواند در صف اول.

كان كمن صلى خلف رسول الله صلى الله عليه وسلم.

گویا این که پشت سرش شخص پیغمبر نماز خوانده است. این کتاب کافی است. و این کتاب.

من لا يحضره الفقيه.

ج ۱ ص ۳۸۳ . و این أمالی شیخ صدوق ص ۳۶۷ و همچنین در کتاب الوسائل ح ۱۰۷۱۷ همین را آورده است. و امام صادق فرمودند:

إذا صليت معهم غفر لك بعدد من خالفك.

اگر با این ها نماز خواندین به عدد تمام مخالفین خدای عالم گناه تو را خواهد بخشید.

و بعد در صفحه ی بعد باز هم همین عبارت آمده است.

من صلى معهم فى الصف الأول كان كمن صلى خلف رسول الله صلى الله عليه و سلم.

در روایت بعدی می گوید:

صلوا فى مساجدكم.

امام صادق دستور می دهد. می گوید در مساجد اهل سنت نماز بخوانید.

و صلوا مع أئمتكم.

با ائمه ی این ها با امام جمعه ی این ها نماز بخوانید.

یعنی روایات به قدری زیاد است در این زمینه که یکی دو تا سه تا ده تا نیست. ما ان شاء الله امیدوار هستیم عزیزان و بزرگواران اهل سنت یک مقداری فکرکنند و دقت بکنند و یک زمانی بیاید ما حداقل در ایران خودمان مساجد شیعه وارد می شویم می بینیم در کنار هم شیعه و سنی با هم دارند نماز می خوانند. یکی دست بسته است در کنارش دست آویز نماز می خواند.

و همچنین در مساجد اهل سنت ما شیعه ها بروند آن جا با مهر و تشکیلات نماز بخوانند. هم عزیز شیعه را برادر خودش بداند و هم عزیز شیعه سنی را برادر خود بداند. ما ان شاء الله که امیدواریم به این سمت و سو حرکت کنیم.

یعنی به جای این که این همه شعار ما گوش کروبیان کر می کند که چرا در تهران مسجد نداریم و غیره.

به قول آقای بدر الدین مفتی اعظم سوریه در تهران من بالای هیچ کدام از مساجد ندیدم که نوشته باشد مسجد شیعه یا مسجد سنی.

البته ما بارها گفته ایم که در مسائل سیاسی ما مداخله نمی کنیم. دولت و نظام اگر صلاح می دانند یا صلاح نمی دانند به ما ارتباطی ندارد.

ولی ما به جای این که بیاییم این ها را مطرح کنیم و نقل کنیم و افکار بعضی ها را مشوش کنیم. نسبت به شیعه و نسبت به نظام بد بین کنیم. بیاییم تشویق کنیم که اگر در یک شهری شما می روید آن جا و می بینید اهل سنت در آن جا در اقلیت هستند یا مسجد ندارند شما بروید در مساجد شیعه نماز بخوانید.

آیا تا به حال شده است یک عزیز سنی برود در مسجد شیعه نماز بخواند خدای نکرده به او بی احترامی بشود. و اتفاقا خیلی اوقات شیعه ها خوش حال می شوند. که می بینند یک سنی آمده است در مسجد شیعه دارد نماز می خواند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سپاس گذار هستیم جناب آقای صادقی از اصفهان اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب داریم. خدمت شما.

ب:

سلام علیکم جناب آقای محسنی خسته نباشید. خدمت حضرت آیت الله سلام و عرض ادب و دست بوسی دارم. و شما هم خسته نباشید واقعا از برنامه ی شما لذت می بریم دست و پنجه ی شما درد نکند. و واقعا مصداق آیه ی شریفه ی.

لا یسمعون فیها لغوا و لا کذابا.

هست این شبکه. انصافا که علم را می برد بالا. و شما دانشگاه و حوزه را آورده اید در خانه ها واقعا دست و پنجه ی شما درد نکند. یک مطلب دیگر هم است. نسبت به فرمایش حضرت آقا که می فرمایند که شیعه و سنی تعصب نداشته باشند.

البته از کانال ما که الحمد لله رب العالمین تعصب نیست. چون وقتی که خورشید را دید نمی شود دیگر شک کرد که شب است یا روز است. این واقعا یقین حاصل می کند. برای ما که محب هستیم و شیعه هستیم. این واقعا الشمس من الشمس است چیزی نیست که ما بخواهیم تعصب نشان بدهیم. این ایمان ما است. مطلب دوم این برادر که اهل تسنن بودند تقریبا دو تا تلفن پیش محبت کرده بودند و زحمت کشیدند که تماس گرفته بودند. و بقیه ی برادر ها عرض می کنم که عزیزان ما دو دفعه به دنیا نمی آییم. ما اگر رفتیم از این دنیا دیگر بر نمی گردیم به این دنیا.

پس چه بهتر این که مطالب را واقعا بدون عینک تعصب بدون عینک تعصب دنبال کنیم و ببینیم که حق کجا است. زیاد هم نمی خواهیم دنبال این شبکه و آن شبکه بگردیم.

الحمد لله رب العالمین علم امروز در دسترس همه است حتی بچه مدرسه ای ها بچه ابتدایی ها عرض من این است که عزیزان دیده هایمان را بیشتر باز کنیم. به قرآن ما دل مان می سوزد شما اگر روشن باشید یا روشن نباشید به ما ضرری نمی رساند خودتان می بینید. ولی ما خوش حال می شویم که الحمد لله رب العالمین این شبکه یک نوری است و ان شاء الله که برای همه هادی باشد.

من زیادی مزاحم وقت شما عزیزان نمی شوم و دست آقای قزوینی را هم می بوسم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

موفق و مؤید باشید. متشکر هستیم از شما و ممنون هستیم. خواهش می کنم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خدا نگه دار شما باشد. سپاس گذار هستیم جناب آقای شیخ صادقی. جناب آقا قاسم از مهاباد اگر صدای بنده را دارید سلام و عرض ادب داریم. برادر عزیز اهل سنت ما.

ب:

سلام علیکم من فقط می خواستم خسته نباشید عرض می کنم.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

سلامت باشید درود بر شما. در خدمت شما هستیم.

ب:

آقای قزوینی فرمودند که اشکالی ندارد که سنی ها بیایند در مسجد شیعه ها نماز بخوانند. درست است؟

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

و به عکس.

ب:

بله. بر عکس هم گفتید ولی در شهر مهاباد اصلا یک نفر هم به عنوان اهل تشیع ساکن این شهرستان نیستند ولی برای برادران اهل تشیع درست کرده اند. ولی در شهر تهران اگر اشکالی ندارد. چرا یک مسجد برای اهل تسنن نمی سازند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

در مهاباد که شیعه نیست. برای چه مسجد درست کرده اند؟

چه کسی درست کرده است؟

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

یعنی در مهاباد اصلاً شیعه وجود ندارد. برادر بزرگوار من. یک مقداری منصفانه صحبت کنید. آقا قاسم

عزیز.

ب:

بله هستند. ولی یک مقدار نیروی نظامی و این ها.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

نه عزیز من این همه افراد زنگ می زنند از مهاباد از شیعه ها حداقل این همه جمعیت از کسبه هستند.

معلم هستند دبیر هستند.

ب:

ساکن آن جا نیستند و از شهر های دیگر آمده اند آن جا.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

پس به هر صورت این ها یک جایی به عنوان مسجد می خواهند.

برای عبادت کردن می خواهند.

ب:

چه اشکالی دارد که بیایند در مسجد ما نماز بخوانند.

این یکی از سوال های من است و سوال دیگر این است که امروز تمام مردم دنیا کرد و لر و عرب و عجم همه الحمد الله سطح سواد آن قدر رفته است بالا که دیگر این حرف ها نه برای ما و نه برای و نه برای تشیع خوب است چرا تفرقه می اندازند این الله یاری شب و روز اهانت می کند به حضرت ابو بکر و عمر و عثمان.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

او که حساب اش جدا است. او به مقدسات شیعه هم دارد توهین می کند. و به بزرگان شیعه هم دارد توهین می کند.

اصلا او حساب اش جدا است و بحث او را وسط نکشید که اصلا این آقای می که اسمش را آوردید.

ب:

الآن زمانی که شما دارید می بینید که مردم چه کار می کنند اصلا باید عقل و علم پیشرفت کند. اسلام برای ما چه کار کرده است. ما با هم مشکلی نداریم همگی خدا را می پرستیم. در آخرت هم معلوم می شود که دین چه کسی حق است و دین چه کسی نا حق است. آن در آخرت معلوم می شود. دیگر لزومی ندارد که آن برادران وصال فارسی و یا شما و یا بقیه ی برنامه ها که این همه تفرقه اندازی می کنند بین مردم اهل تسنن و تشیع.

ما الآن عروس داریم از اهل تشیع.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

آقای قاسم این حرف شما می دانید. چه می شود. اگر این طوری باشد ما می گوییم یهودی و مسیحی همه که هستند باشند. برای چه ما را خدا دعوت می کند به تدبر کردن. و تفکر کردن. درباره ی آیات الهی درباره ی ادیان و درباره ی مذاهب.

اگر این طوری حرف شما باشد و حرف شما دارد این را نشان می دهد. و در صورتی که این طور نیست. همین دنیا هم حجت بلیغ اش را برای ما می رساند. شما نفرمایید فقط روز قیامت هست بلکه در این دنیا هم خدا ما را مؤاخذه می کند ما در این دنیا می توانیم اختیار داریم و عمل کنیم. فردا که دیگر همه چیز تمام شده است.

این جا اگر کسی تحقیق کرد. به قول حاج آقا و برای رضای خدا بخواهد زحمت بکشد و حتما خدای متعال به او هدایت را می رساند. و این جو نفرمایید و اگر هم اشکالی دارید اشکال را به یک مورد خاصی قرار بدهید نه این که کلی مطالب را از بین ببرید.

ب:

ببینید حاج آقا همه ی این ها برای ما اشکال است. همه ی شما برای ما اشکال هستید. من که سنی هستم. و هزار سال برنامه ی شما را نگاه کنم نمی فهمم و همان شیعه هم همین طوری است. شما از خودتان می گوید که فلانی سنی شیعه شده است. آن ها می گویند که شیعه سنی شده است. این ها فریب دادن مردم است. الآن دیگر دنیا دنیای علم است دنیای عقل است. به عقب ماندگی خودمان فکر کنیم به بدبختی های خودمان فکر کنیم.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

ما تشکر می کنیم از جناب آقای آقا قاسم بزرگوار و ما از دور پیشانی شما عزیز سنی را می بوسیم آقا قاسم عزیز.

و ما هم بارها گفته ایم که ما در این جا قصدمان این نیست که شیعه سنی کنیم یا سنی شیعه کنیم. شما اگر برنامه ی ما را دیدید. همین هفته ی گذشته بود که یک آقای از همان غرب کشور تماس گرفت خواست که شهادت ثالثه را بدهد ما جلوی او را گرفتیم و گفتیم ما این جا برای این شبکه را باز نکرده ایم که چهار نفر سنی بیاید و بگوید که من سنی بودم شیعه شدم.

بحث ما جناب آقای آقا قاسم عزیز بیان حقایق است روشن کردن. است اتمام حجت است. همین برای ما کفایت می کند. بیش از این ما دنبال اش نیستیم و این داوری با بیننده است. چه بسا یک شیعه بیاید از این بساط تحقیقی که ما باز کرده ایم. بیاید بگوید که برای ثابت شد که سنی حق است. می گوئیم که مبارکات باشد.

یک سنی هم بگوید که شیعه حق است ما می گوئیم مبارکت باشد. و به هیچ وجهی دنبال این نیستیم برادر عزیز من. اگر بنا باشد شبکه ی ولایت از مستبصرین بخواهد برنامه بگذارد شاید هر شب بیش از دویست نفر در نوبت هستند عزیز دل من.

ما اصلا به این ها اجازه نمی دهیم که بیایند این جا و بساط پهن کنند و شروع کنند از استبصار خودشان حرف زدن. إلا بعضی از موارد ضروری که پیش می آید و در ماه رمضان ما یک سری برنامه هایی را دوستان پیشنهاد کرده بودند. و ما گذاشتیم اما این که یکی از شبکه ها آن روحانی را مثال می زند این شهادت را مراجع شیعه داشته اند. علمای شیعه داشت شبکه ی ولایت داشت. گفت که این آقا حرف اش ارتباط به شیعه ندارد و این شبکه هم شبکه ی شیعه نیست ولی آیا علمای اهل سنت این شهادت را داشته اند. این شبکه های وهابی مثل کلمه و وصال و غیره هزاران فحش به مقدسات شیعه می دهند به ائمه می کنند، به حضرت زهرا، به امام

حسین علیه السلام، به مراجع شیعه حتی مذهب شیعه را می گوید که از مذهب آلت پرست ها بد تر است. آیا شد چهار نفر از علمای بزرگوار یک بیانیه بدهند بگویند این شبکه ای که این همه اهانت به مقدسات شیعه می کند. این شبکه ها شبکه های سنی نیستند.

حداقل این را جناب آقای آقا قاسم عزیز این انتظار را ما از علمای اهل سنت داریم. که وقتی که تند رویی می آید و یک افراط گری می آید از ناحیه ی شیعه افراط گری می کند بلا فاصله مراجع ما محکوم می کنند یا آن آقا در لندن به همسر پیغمبر اهانت کرد مراجع ما محکوم کردند. رهبری محکوم کرد. ولی این اهانت ها که در این شبکه ها نسبت به مقدسات شیعه می کنند نسبت به امام راحل و رهبری و نسبت به مراجع ما و بزرگان ما می کنند.

آیا شد آقا قاسم عزیز یا دیگر علمای بزرگوار حداقل بیایند یک بیانیه صادر کنند بگویند که این شبکه هایی که توهین به مقدسات شیعه می کند ما این ها را محکوم می کنیم. یا نه به عکس می روند آقایان با این شبکه ها ارتباط مستقیم دارند برنامه ی زنده با این ها دارند.

یا علنی این ها را به عنوان شبکه ی سنی مطرح می کنند. آیا این انصاف است جناب آقای آقا قاسم بزرگوار.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون هستیم جناب آقای قاسم با شما خدا حافظی می کنیم.

جناب آقای صابر دشتی به عنوان آخرین بیننده ی ما که فرصت ما هم دارد تمام می شود. صدای گرم ایشان را هم بشنویم.

سلام و عرض ادب داریم خدمت جناب آقای صابر دشتی.

ب:

سلام خسته نباشید. و سلام علیکم و رحمه الله.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

و علیکم السلام. لطف کنید و صدای گیرنده ی تان را ببینید که انعکاسی نداشته باشد.

ب:

بسم الله الرحمن الرحيم.

تشکر می کنم از برنامه ی خوب شما و از همکاران شما و کار شناس شما تشکر می کنم.

من خیلی وقت شریف شما را نمی گیرم. خدمت شما بگویم که من دیشب شبکه ی کلمه را داشتم

بررسی می کردم آقایان یک مطلبی حالا شاید انحرافی و خیلی مسئله ی مهمی نبود ولی می خواستم که خودم

بیشتر توجیح بشوم و اصولا شیعه ها بیشتر توجیح بشوند. که تا چه قدر صحت دارد این موضوع.

آقایان می گفتند که حالا ما که می دانیم که اساس تفرقه ی شیعه و سنی در امامت و معصومیت است

ما معتقد هستیم که امام معصوم است و آن ها اعتقادی به معصومیت ندارند و بحث خلیفه را مطرح می کنند.

آن ها بحث غدیر خم را مطرح می کردند. یک کار شناسی آورده بودند. و با هم بحث می کردند و می گفتند که

اهل تشیع به بحث غدیر خم خیلی مانور می دهند. و مانور شان بیش از اندازه است و می گویند که در تابستان

بوده است. و گرمای شدید بوده است. و ۱۲۴ هزار نفر جمع بودند. در حالی که این طور نبوده است. و ما غدیر را

قبول داریم. نه به این شکل و بر اساس تاریخی که ما تأیین کرده ایم و در تواریخ است ۲۸ اسفند ماه بوده است

و اصلا گرمایی وجود نداشته و زمانی هم که پیغمبر از مکه حرکت می کند به سمت منزل شان در جا های زیاید

استراحت می کردند. یکی از آن ها هم در جای غدیر بوده و یک چشمه ی آبی و سرسبز بوده است و اصلا گرم

نبوده حالا این ها خیلی برای من مهم نیست. ولی من هر چه قدر خواستم با خودشان تماس بگیرم. نتوانستم

می خواهم به این ها بگویم که من یک سوالی از شما دارم. اصلا سرد بوده اسفند ماه بوده و هوا گرم نبوده و این همه جمعیت هم نبوده و پیغمبر چندین بار استراحت کرده است. ولی من یک سوال دارم چرا پیغمبر آن جا آمد دست علی را بالا کرد. چرا نیامد دست ابو بکر را بالا نگرفت چرا دست عمر را بالا نگرفت از علی جوان تر و از علی پیر تر. چه دلیلی داشت که دست علی را بالا گرفت.

اگر می شود در مورد این اسفند و سرما و این ها برای ما توضیح بدهید. بعد هم این که دیگر شما خودتان استاد هستید و من دیگر مزاحم وقت شما عزیزان نمی شوم و با شما خدا حافظی می کنم.

حجہ الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

آقای دشتی من همین را خدمت شما عرض کنم. الان در همین ایران عزیز ما در همین قشم و کیش نگاه کنید ما الان در این جا در سرما و در چند روز قبل چند درجه زیر صفر بود ولی آن هایی که در قشم بودند. که دیگر هم ارض عربستان هستند و عربستان تقریبا یک درجه ای پایین تر است. از قشم ما. الان بعضی از دوستان ما که آن جا هستند می گویند که ما اگر بعضی موقع ها زیر کولر نخواهیم نمی شود آیا این تفاوت ندارد و ما با این که هنوز وارد اسفند ماه نشده ایم. و دوستان من همین الان آن جا هستند و همین چند روز قبل با دوستانم صحبت کردم و آن جا هوا خیلی گرم است. و دیگر این جا هوا طاقت فرسا می شود.

آیا این ۲۸ اسفندی که حالا آقایان می گویند و درست هم می گویند آیا این در آن موقع گرم نبوده است. که الان دوستان ما در همان قشم خودمان که باز پایین تر از مدینه و مکه است و اگر در نقشه نگاه کنید. این گرما این قدر طاقت فرسا نبوده است. این ها أغلظه هایی است که دارند می کنند.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

ما تشکر می کنیم. از جناب آقای صادق دشتی عزیز ببینید برادر عزیزم در خود کتاب های اهل سنت آمده است. که روز عید غدیر همین معجم کبیر طبرانی ببینید برادر عزیزم این ها دارند مردم را فریب می دهند. و بساط شیادی راه انداخته اند.

چنین و چنان است و هوا گرم نبوده است خب حالا اگر هوا گرم بوده است پس غدیر باطل شد. این دیگر از کتاب های معتبر اهل سنت است معجم کبیر طبرانی نقل می کند از سند صحیح می گوید که به غدیر خم رسیدیم.

فی یوم ما أتی علینا یوم کان أشد حرا منه.

می گوید از نظر گرما بی نظیر بوده است. ما تاکنون گرمایی مثل آن روز ندیده بودیم.

بین برادر عزیزم حدیث ۴۹۸۶ معجم کبیر ج ۵ ص ۱۷۱.

در کتاب مستدرک صحیحین باز با سند صحیح آمده است.

هذا حدیث صحیح الإسناد.

باز همی می گوید:

ما أتی علینا یوم کان أشد حرا منه.

آیا این ها نشان نمی دهد و این ها در کتاب های خود شما آمده است. جالب این جا است که یکی از شاگردان ما یک جزوه ای نوشته بود و آن روز داد که من نگاه کنم. هوا شناس غدیر ایشان آمده است از سال ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۰، ۲۰۰۹، ۲۰۱۳.

آمده است طبق برنامه ی هوا شناسی جهانی منطقه ی غدیر و مکه را ملاک قرار داده است در این پنج

سال اخیر هوای مکه در دهه ی سوم اسفند از ۴۴ یا ۴۵ درجه کمتر نبوده است.

خیلی جالب است حالا اگر فرصت بشود من می گویم که دوستان این را کامپیوتری کنند و به مردم نشان بدهیم. حسابی آمده است هواشناس های معتبر دنیا تصویر کشیده است که در اسفند ماه هوای مکه چه بوده است؟

یعنی از ۴۵ یا ۴۴ پایین حداقل سه چهار سال اخیر نیامده است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

بله مشخص است خیلی ممنون و سپاس گذار هستیم حاج آقا فرصت ما هم تمام شد حسن خطاب برنامه ی ما هم دعای حضرت عالی است.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای سید محمد حسینی قزوینی:

من فقط یک جمله را عرض کنم بینندگان عزیز کتاب شرح مقاصد جناب تفتازانی را ببینند ج ۲ ص ۲۸۹ راوی می گوید به قدری در غدیر هوا گرم بود و زمین سوزان بود مردم عبا هایشان را از شدت گرما زیر پاهایشان می گذاشتند و این که دیگر مال ما نیست مال خودتان است عزیز من.

مچکر هستیم از این برادر عزیزمان که باعث شدند این دو تا نکته را من اشاره کردم.

خدایا تو را قسمت می دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما امام زمان را نزدیک بگردان ما را از یاران ویژه ی آن حضرت قرار بده خدا به آبروی مادرش زهرا قلب مقدسش از ما راضی بگردان ما را مشمول دعا های ویژه ی آن بزرگوار قرار بده، رفع گرفتاری از همه ی مسلمان ها بنما، حوائج همه را بر آورده نما، حوائج ما حوائج بینندگان عزیز، حوائج عزیزان ولایت یاور به آبروی محمد و آل محمد بر آورده نما، بر بیماران ما شفای عاجل کرم فرما، دعا های ما را به اجابت برسان، و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

حجه الاسلام و المسلمین حاج آقای محسنی:

خیلی ممنون و سپاس گذار هستیم از حضرت استاد در این فرصتی که برای ما قرار دادند و استفاده کردیم از بیانات ایشان و امیدواریم که خداوند وجود ایشان را برای ما حفظ بفرماید. و از شما بینندگان عزیز هم که تا این لحظه همراه ما بودید سپاس گذار هستیم و از همه ی همکاران عزیزم در اتاق پخش که تدارک برنامه را دیده اند سپاس گذاری می کنیم. امیدواریم که این مطالب و این کارها و این مباحث مقبول رضای خدا ان شاء الله قرار گرفته باشد. و مورد لطف شما عزیزان قرار گرفته باشد. و ان شاء الله بیننده برنامه های بعدی ما هم باشید.

در پایان همه ی مباحث دعای همیشگی مان را عرض می کنیم.

اللهم عجل لولیک الفرج.

التماس دعا و خدا نگه دار.

